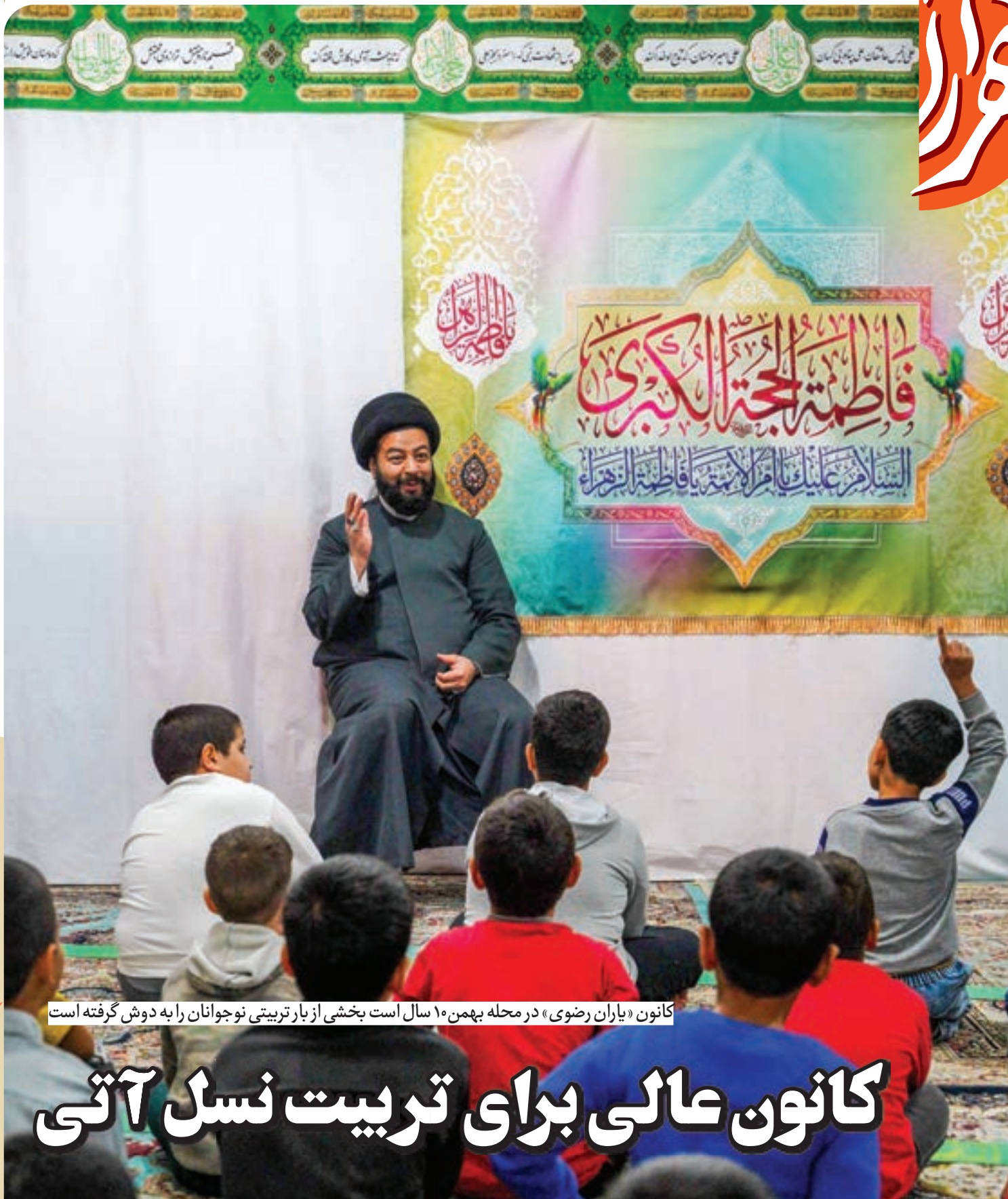




کانون «یاران رضوی» در محله بهمن ۱۰ سال است بخشی از بار تربیتی نوجوانان را به دوش گرفته است

کانون عالی برای تربیت نسل آتی

۵۴ و

عکس: نفیسه فرخی/شهرآرا

درباره دورهمی بانوان رده که حالا رؤیای مدرسه رفتن را زندگی می‌کنند

چراغ روشن دانایی

۶



۳

شهرآرامحله وضعیت درختان محله رده را بررسی می‌کند

میثم شمالی، زیر سایه درختان خشک

۷

دوچرخه‌سواران منطقه ما برای داشتن هوای سالم و ترویج ورزش همگانی پای کار آمده‌اند
دوشنبه‌های پا در رکاب

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام رسان ایتا بفرستید.

۳



نان متبرک، برکت سفره مهرگانی ها

در ایام ماه مبارک رجب و میلاد امیرالمؤمنین (ع)، اهالی محله مهرگان طعم برکت را با حضور نان های متبرک، بیش از پیش در سفره های خود احساس کردند. در این طرح که با مشارکت نانوایی های محله، خیران و آستان قدس در حال اجراست، هر نیکوکار با پرداخت مبلغ دلخواه، در تأمین بخشی از هزینه پخت نان ها مشارکت می کند. بخش دیگر هزینه ها به اضافه تأمین نمک مورد نیاز، کنجد و سبزیجات به کار رفته در تهیه نان را آستان قدس رضوی تقبل می کند. تاکنون دست کم ۱۰ هزار قرص نان رایگان و متبرک طبخ و تقدیم اهالی شده است.



چهارشنبه های متفاوت اهالی فاطمیه

فرزانه شهامت قرار نمازگزاران مسجد الهادی (ع) و مسجد چهارده معصوم (ع) در محله فاطمیه، چهارشنبه شب هاست. نماز مغرب و عشاء را که اقامه می کنند، راهی منزل یکی از شهدای محله می شوند تا در خانه ای که همچنان معطر به نام و یاد شهید است، زیارت عاشورا بخوانند و چند دقیقه ای از احکام و معارف اهل بیت (ع) استفاده کنند. در این طرح که از اوایل امسال آغاز شده است، اهالی تاکنون به حدود بیست خانواده شهید سرزده اند و آن ها را تکریم کرده اند. حضور رده های سنی مختلف، از نوجوانان تا سال خوردگان محله، از ویژگی های این دوره می مؤمنانه است.



«ترنم بهشتی» در محله گاز

شناخت و ویژگی های کودکان کمتر از شش سال و شیوه درست رفتار با آن ها، هدف برگزاری دوره ای کارگاهی با عنوان «ترنم بهشتی» است که با استقبال مادران محله گاز همراه شده است. این دوره که به همت پایگاه بسیج خواهران اطهر و مرکز رسیدگی به امور مساجد استان، در حال برگزاری است، صبح روزهای شنبه در مسجد پنج تن آل عبا (ع) برپا می شود و در آن کارشناس ارشد مشاوره خانواده به آموزش مهارت های محبت و ورزی به کودک کمتر از شش سال، ایجاد آرامش در فضای خانواده و پاسخ به پرسش های مادران در این ارتباط می پردازد. اشتیاق مادران محله گاز به بالا بردن دانش خود در این زمینه، باعث شده است آن ها تقاضای برگزاری دوره ای مشابه ویژه رده سنی نوجوانان را نیز داشته باشند.



دوره می کتاب خوانان در منطقه ما

مسجد المهدی (ع) در محله مهرگان، صبح سه شنبه هر هفته، میزبان یک نشست کتاب خوانی متفاوت است. در این دوره می فرهنگی، از میان همه اندیشمندان مسلمان، آثار استاد شهید مرتضی مطهری مطالعه می شود و مورد بحث و تبادل نظر قرار می گیرد. خوانش کتاب هفته پیش، برشی از کتاب «حماسه حسینی» بود که مؤلف، آن را برای تحریف زدایی از قیام امام حسین (ع) به رشته تحریر درآورده است.

دانش آموزان دبستان امام حسین (ع) به یاری نیازمندان رفتند

مهارت اخلاقی در کنار مهارت علمی

محمدرضا فیضی دانش آموزان دبستان امام حسین (ع) محله بلال، با همکاری معلمان و والدین خود، اقدام به تهیه و توزیع سی بسته معیشتی میان نیازمندان محله رسالت کردند. این بسته ها شامل اقلام ضروری مانند چای، قند، روغن و سایر مواد غذایی بود. مدیر مدرسه هدف از این حرکت را کمک به خانواده های محروم و تقویت روحیه جهادی و مسئولیت پذیری اجتماعی دانش آموزان اعلام کرد. مهدی ابراهیمی ضمن قدردانی از مشارکت فعال والدین و معلمان، بر اهمیت آموزش مهارت های اخلاقی و اجتماعی در محیط مدرسه تأکید کرد.



آسفالت ۵۳ معبر در مهرگان و قرقی

شهرداری منطقه ۳ مشهد در راستای بهبود کیفیت معابر و ارتقای رفاه شهروندان، عملیات بهسازی، لکه گیری و روکش آسفالت ۵۳ معبر در محلات مهرگان و قرقی ناحیه ۴ را اجرا کرده است. در سال های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴، بیش از ۵ هزار مترمربع از معابر این دو محله آسفالت ریزی و روکش شده است. در سال ۱۴۰۳، ۲۸ معبر با مساحت بیش از ۱۹ هزار مترمربع و از ابتدای سال ۱۴۰۴ تاکنون، ۲۵ معبر با مساحت بیش از ۳ هزار مترمربع بهسازی شده اند.



۳

تحقق ۷۱ درصدی درآمد های شهرداری منطقه ۳

شهرداری منطقه ۳ در آذرماه ۱۴۰۴ موفق به تحقق بیش از ۷۱ درصد از درآمد های پیش بینی شده شد و رتبه سوم درآمدی را در میان مناطق شهرداری مشهد کسب کرد. در این مدت، بیش از ۵۹۰ میلیارد ریال درآمد وصول شد.

قدمی برای رفع آب گرفتگی معابر

ماه گذشته، اداره خدمات شهری منطقه ۳ برای رفع آب افتادگی معابر، بیش از ۱۱۹ هزار مترطول از کانال های روباز و سرپوشیده منطقه ۳ را لای روبی کرد. این اقدام، نقش مؤثری در کاهش آب گرفتگی داشت و هم زمان نزدیک به ۱۰ هزار مخزن زباله نیز شست و شو و محللول پاشی شد.



شهرآرامحله وضعیت درختان محله رده را
بررسی می کند

میثم شمالی زیر سایه درختان خشک

نمونه ای روشن از یک اقدام نیمه کاره است. او می گوید: اگر نگاهی به پیاده روها بیندازید، می بینید که درختان زیادی قطع شده اند، اما بخشی از تنه و ریشه آن ها همچنان باقی مانده است. انتظار این بود که هم زمان با قطع درختان، تنه ها و ریشه ها نیز جمع آوری شود و برای کاشت درختان جایگزین برنامه ریزی مناسبی صورت بگیرد. به گفته این شهروند قدیمی محله، رها شدن این بقایا باعث شده است برخی شهروندان اطراف تنه های باقی مانده را به محلی برای انباشت زباله تبدیل کنند؛ موضوعی که نه تنها چهره معابر را نا زیبا کرده، بلکه زمینه ساز بروز مشکلات زیست محیطی در این محدوده شده است.

● محله خشک و بی روح

محسن کوهجانی، یکی از کسبه خیابان میثم شمالی، با اشاره به خطرات احتمالی می گوید: «همه درختانی که در این محدوده خشک شده اند و تعدادشان به حدود بیست اصله می رسد، بر اثر آفت از بین رفته اند. تنه بسیاری از این درختان به دلیل کرم خوردگی سست شده است و در صورت وزش طوفان یا بارش برف، احتمال سقوط آن ها وجود دارد.» این کاسب محله رده، نبود جایگزین برای درختان قطع شده را یکی از مشکلات اصلی موجود می داند و تأکید می کند: «درخت فقط یک عنصر تزئینی نیست. وقتی آن ها را قطع می کنیم و هیچ چیزی به جای آن هانمی کاریم، محله کم کم خشک و بی روح می شود. این وضعیت روی روحیه مردم هم تأثیر می گذارد و احساس می شود که محله به حال خود رها شده است.»

● درختی که از نفس افتاده

همراه عظیم سناوندی، شهروند قدیمی محله رده که بیش از سه دهه از عمرش را در این محله گذرانده است، وارد خیابان میثم شمالی ۴ می شویم. کمی جلوتر، به سومین درخت کوچه می رسیم؛ درختی با ارتفاعی بیش از پنج متر و قطری نزدیک به دو متر. در همان نگاه نخست، نشانه های فرسودگی به روشنی دیده می شود؛ پوسته های اطراف تنه بر اثر هجوم کرم های ساقه خوار از بین رفته و درخت از نفس افتاده است. سناوندی که ساکن همین کوچه است، با اشاره به تنه قطور و قامت بلند درخت می گوید: از همین ظاهرش هم می شود فهمید که درخت قدمت زیادی دارد.

او ادامه می دهد که ریشه های این درخت تا داخل خانه همسایه پیش رفته و بخشی از پیاده رو را نیز تخریب کرده است. می گوید: چند سالی می شود که درخت به طور کامل خشک شده است و همسایه ها نگران وضعیت آن هستند؛ تا جایی که هنگام وزش طوفان های شدید، لرزش دیوارهای خانه احساس می شود. با توجه به وجود آفت در ساقه و داخل تنه، احتمال سقوط درخت و بروز حادثه برای شهروندان کم نیست و لازم است هرچه زودتر برای آن چاره ای اندیشیده شود.

● تنه های دردرسرساز

در ادامه این گزارش، به حاشیه خیابان میثم شمالی می رویم. به گفته سناوندی، باقی ماندن بخشی از تنه و ریشه درختان در پیاده روها

محمد رضا فیضی ادر قدم زدن میان کوچه های اطراف خیابان میثم شمالی در محله رده، نخستین چیزی که نگاه را متوقف می کند، سکوت درختانی است که دیگر نشانی از زندگی در آن ها دیده نمی شود. درختان خشک شده، تنه های بریده و ریشه هایی که از دل زمین بیرون مانده اند، تصویری ناتمام از فضای سبز محله را پیش چشم می گذارند؛ تصویری که فقط به ظاهر محدود نمی شود و روایتگر بی توجهی های عمیق تری است.

ساکنان قدیمی و کسبه این محدوده از مشکلاتی می گویند که این وضعیت برای زندگی روزمره آن ها به وجود آورده است. در این گزارش به محدوده خیابان میثم شمالی ۴ تا ۱۶ سری زده ایم تا از نزدیک سرنوشت درختان این بخشی از محله را ببینیم.



● صدور حکم قطع درختان خشک در پایان اردیبهشت

برای پیگیری موضوع، با رئیس اداره فضای سبز منطقه ۴ تماس گرفتیم. احمد رجبی در توضیح وضعیت موجود می گوید: بر اساس تصمیمات کمیسیون ماده ۷، اکنون حکمی برای قطع درختان صادر نمی شود و لازم است تا پایان اردیبهشت صبر کنیم؛ زمانی که درختان به طور کامل وارد چرخه رشد می شوند. به گفته او، تشخیص درخت خشک از درخت زنده در زمان فعلی کمی دشوار است و این احتمال وجود دارد که برخی درختان دوباره جوانه بزنند. رجبی تأکید می کند که محدوده اعلام شده در بازه زمانی اردیبهشت ماه توسط کارشناسان این اداره بررسی خواهد شد و پس از آن، برای درختانی که به طور قطعی خشک شده اند، حکم قطع صادر می شود.

● رفع خطر درختان آفت خورده به زودی

در ادامه، موضوع درختان کرم خورده و خطر آفرین را با او در میان می گذاریم. رئیس اداره فضای سبز منطقه ۴ در این باره توضیح می دهد: درباره درختانی که احتمال خطر آفرینی دارند، روال کار متفاوت است. در این موارد، بازدید هادر کوتاه ترین زمان ممکن انجام می شود و اگر خطری تشخیص داده شود، بلافاصله برای رفع آن اقدام خواهیم کرد. در همین راستا، شهرآرامحله همه تصاویر مربوط به درختان خطر آفرین را همراه نشانی دقیق در اختیار این مقام مسئول قرار می دهد تا روند رسیدگی با دقت و سرعت بیشتری انجام شود.

● درخواست جایگزینی درخت از ۱۳۷

موضوع تنه ها و ریشه های باقی مانده درختان، نکته دیگری است که بار جیبی مطرح می کنیم. او در پاسخ می گوید: با توجه به اینکه خارج کردن ریشه ها و تنه ها ممکن است به معبر و پیاده رو آسیب وارد کند، این بخش بر عهده اداره فنی، عمران و حمل و نقل منطقه است تا در صورت بروز آسیب، به بهسازی پیاده روها اقدام شود. در پایان، بحث جایگزینی درختان قطع شده مطرح می شود. رجبی در این باره می گوید: شهروندان می توانند درخواست خود را از طریق سامانه ۱۳۷ ثبت کنند. پس از بازدید کارشناسان، گونه مناسب برای این معابر انتخاب و کاشت درختان جدید انجام خواهد شد.



کانون «یاران رضوی» در محله بهمن، ۱۰ سال است بخشی از بار تربیتی نوجوانان را به دوش گرفته است

کانون عالی برای تربیت نسل آتی

۳



تاجی غروب‌های محله بهمن همیشه شلوغ است و صدای بازی بچه‌ها با همه خیابان و رفت و آمد مردم درهم می‌آمیزد. اینجا جایی است که کودکان زودتر از سنشان با واقعیت‌های سخت زندگی روبه‌رو می‌شوند و نوجوانان، اگر دستشان گرفته نشود، خیلی زود راهشان را گم می‌کنند. در میان خانه‌های فشرده و کوچه‌هایی که فرصت انتخاب را محدود می‌کنند، گاهی یک چراغ کوچک می‌تواند مسیر را عوض کند؛ چراغی که نه با شعار، بلکه با صبوری، برنامه و امید روشن مانده است. کانون «یاران رضوی» یکی از همان چراغ‌هاست؛ جایی که بازی، اردو و خنده، آرام آرام به آموزش، تربیت و ساختن آینده‌گره می‌خورد. این گزارش، روایت ۱۰ سال تلاش بی‌وقفه حجت الاسلام والمسلمین سید صادق محمدی سرشت و همراهانش است؛ روایتی از دل یک محله، برای ساختن نسلی که قرار است فردای این شهر را بسازد.

انتخاب هدفمند محل کانون



حجت الاسلام والمسلمین سید صادق محمدی سرشت، مدیر کانون فرهنگی تبلیغی یاران رضوی، طلبه سطح ۲ حوزه علمیه مشهد و متولد سال ۱۳۶۰ است. ارتباط صمیمانه‌اش با کودکان و نوجوانان، نشان اخلاق خوش و روحیه مردمی او است. ۱۰ سال فعالیت مستمر او در این کانون، کارنامه‌ای روشن از تلاش‌های موفق او در جذب کودکانی است که به جای سرگردانی در خیابان‌ها، در کلاس‌ها و برنامه‌های تربیتی این مرکز شرکت می‌کنند. او درباره آغاز فعالیت کانون می‌گوید: همه چیز از سال ۱۳۹۴ شروع شد. یکی از خیران بانی خرید یک خانه شد. آن زمان خانه مخروبه بود، اما پس از بازسازی، تغییر کاربری دادیم و با دریافت مجوز از سازمان تبلیغات اسلامی، کانون فرهنگی راه‌اندازی کردیم. او ادامه می‌دهد: از همان ابتدا برنامه‌ها و کلاس‌های مختلفی در اینجا آغاز شد و کم‌کم کودکان و نوجوانان محله جذب این فضا شدند.

به گفته مدیر کانون یاران رضوی، انتخاب محل فعالیت کاملاً هدفمند بوده است. محمدی سرشت در این باره توضیح می‌دهد: این محله جزو محله‌هایی بود که باتوجه به آسیب‌های اجتماعی موجود و تعداد زیاد کودکان و نوجوانان، نیاز مبرم به یک کانون فرهنگی داشت. ما فعالیت‌های تربیتی، اخلاقی و

دینی را در اولویت برنامه‌ها قرار دادیم، چون در کنار مشکلات اجتماعی، فرقه‌های منحرف متعددی هم در این منطقه فعال بودند و کار فرهنگی جدی احساس می‌شد.

آموزش «آیین مؤمنانه»

کانون فرهنگی تبلیغی یاران رضوی فعالیت‌هایش را در دو بخش دختران و پسران و در سه رده سنی کودک، نوجوان و بزرگسال دنبال می‌کند. کلاس‌های ویژه دختران معمولاً در نوبت صبح برگزار می‌شود و پنجشنبه‌ها بیشترین استقبال را دارد. دخترانم هادراین ساعات از کلاس‌های متنوع آموزشی و هنری بهره‌مند می‌شوند، در حالی که برنامه‌های مربوط به پسران در نوبت بعد از ظهر برگزار می‌شود. در کنار این تفکیک زمانی، یک محتوای درسی واحد برای همه گروه‌ها در نظر گرفته شده است. محمدی سرشت در این باره می‌گوید: یک کتاب مشترک به نام آیین مؤمنانه مبنای آموزش ماست که مباحث احکام، عقاید، مسائل اخلاقی و آموزش قرآن را در برمی‌گیرد. او با اشاره به تنوع برنامه‌ها می‌افزاید: در کنار آموزش‌های اعتقادی، برای دختران کلاس‌های هنری داریم. برای پسران برنامه‌های ورزشی برگزار می‌کنیم و فعالیت‌های گروهی متنوعی هم در دستور کار است.

مسابقات فوتبال دستی و والیبال، سیستم امتیازدهی و کمدهای جوایز از جمله برنامه‌هایی است که انگیزه حضور مستمر بچه‌ها را افزایش می‌دهد. مدیر کانون یاران رضوی نیز در این باره می‌گوید: بچه‌ها امتیاز جمع می‌کنند و جایزه می‌گیرند؛ از دفتر و خودکار گرفته تا اسباب بازی و حتی دوچرخه.

فراتر از آموزش و تفریح

کار فرهنگی در محله‌های حاشیه‌ای فقط کلاس وارد نیست؛ گاهی رقابت با جریان‌هایی است که ابزارشان پول است. مدیر کانون خاطره‌ای تعریف می‌کند که هنوز هم برایش نگران‌کننده است: «چند سال پیش یک جریان فکری که اعتقادات بچه‌ها را نشانه گرفته بود، ظاهرش قرآن خوانی بود، اما در کنار آن، عقاید خودشان را منتقل می‌کردند، با انجام کار فرهنگی و برنامه‌های مستمر توانستیم بچه‌ها را جذب کانون کنیم و برای آن‌ها برنامه‌های متنوعی برگزار کنیم.

شوق کار گروهی

تلاش کانون یاران رضوی اجرای برنامه‌های جذاب و انگیزه‌دهنده برای بچه‌هاست. محمدی سرشت شرح فعالیت‌ها را این‌طور بیان می‌کند: ما برای جذب بچه‌ها در چند حوزه فعالیت می‌کنیم. برای مثال، با همکاری شهرداری، بچه‌ها را برای ورزش به سالن‌های فوتسال و زمین چمن مصنوعی و استخر می‌بریم. اردوهای مختلف داخل و خارج شهر برگزار می‌کنیم یا در برنامه‌های مناسبتی، ابداعاتی را در اجرای برنامه‌ها داریم. برای مثال، در تابستان برنامه «جبهه همین نزدیکی...» در بهشت رضا^(ع) اجرا شد که بچه‌ها را با فرهنگ ایثار و شهادت آشنا کرد. یکی از برنامه‌های پرطرفدار هم برپایی ایستگاه‌های صلواتی در اعیادی مانند غدیر، نیمه شعبان و مناسبت‌های مذهبی دیگر که با مشارکت و کمک خود بچه‌ها برگزار می‌شود. بانی‌ها و خیران عزیز کمک می‌کنند و وسایل لازم را آماده می‌کنند، ولی بقیه کارها همه با خود بچه‌هاست.»

● ○ ثمره ۱۰ سال تلاش

کانون یاران رضوی یک دهه فعالیت خود را پشت سر گذاشته است و کودکانی که در اولین سال ها با این کانون آشنا شده بودند، اکنون پا به جوانی گذاشته اند.

محمدی سرشت به تغییرات فرهنگی تربیتی یک دهه گذشته اشاره می کند و می گوید: ما در اخلاق و رفتار بچه ها تغییرات خیلی خوبی را شاهد بودیم. نوجوانانی که سال ها پیش وارد کانون شدند، امروز هر کدام مسیر زندگی شان را پیدا کرده اند. بعضی ها که به موفقیت شغلی رسیده اند، از یاد نبرده اند که کجا رشد و پرورش پیدا کرده اند. مدتی پیش، یکی از آقایان که حالا برای خودش مهندسی شده است، در یکی از اعیاد با من تماس گرفت و گفت قصد دارد با اولین حقوقش برای بچه های کانون شیرینی بخرد. بعضی هم خودشان مربی شده و همین جا مشغول تدریس شده اند. جالب اینجاست که حتی خانواده ها هم از تغییر رفتار بچه ها می گویند؛ از احترام، مسئولیت پذیری و علاقه مندی به مسائل دینی.

● ○ پیامی به والدین

او خطاب به پدران و مادران امروزی تأکید می کند: توقع ما این است که در زمانه ای که فضای مجازی به نوعی سلطنت می کند، پدر و مادرها از وظیفه اصلی خود غافل نشوند. تربیت بچه ها مسئله ای نیست که اگر از آن غفلت شد، به راحتی جبران شدنی باشد. ما وضعیت سخت اقتصادی و مشغله های روزمره خانواده ها را درک می کنیم و می دانیم بسیاری از والدین با محدودیت زمانی مواجه اند، اما کمترین کاری که می توان انجام داد، این است که با مراجعه به مراکز رسمی و سالم فرهنگی و تشویق فرزندان به حضور در چنین فضاهایی، بخشی از بار تربیت را به درستی مدیریت کنیم.

به گفته محمدی سرشت، جشن های خانگی هم یکی دیگر از برنامه های پرطرفدار است؛ جشن هایی که در خانه های خود بچه ها برگزار می شود و خانواده ها در برپایی آن نقش دارند. در ایام عزاداری هم دسته های عزاداری با مشارکت مسجد محل راه می افتد که استقبال و شور و شوق بچه ها برای آن بی نظیر است.

● ○ خیال راحت والدین

یکی از دلایل ماندگاری و نفوذ این کانون، ارتباط مداوم با خانواده هاست. جلسات «خانواده علوی» مخصوص مادران برگزار می شود؛ جلساتی درباره تربیت فرزند، مسائل خانوادگی و وظایف همسری. جلسات اولیا و مربیان هم هر یکی دو ماه یک بار برگزار می شود تا پدر و مادرها از نزدیک فضای کانون را ببینند. علاوه بر این، کلاس های هنری و اعتقادی ویژه مادران هم برگزار می شود. بانوان محله در برنامه های مشارکتی مثل نذری ها و فعالیت های جمعی نقش فعالی دارند: «همین ارتباط باعث شده است خانواده ها با خیال راحت بچه های شان را به کانون بفرستند. اعتماد خوبی بین ما و آن ها برقرار شده است. برای مثال، برای بعضی برنامه ها که لازم است بچه ها تا دیروقت در کانون بمانند، خیال پدر و مادرها از این جهت راحت است که در جای امنی هستند.»

اوبه مهم ترین چالش و مشکلی که کانون با آن روبه روست، اشاره می کند و می گوید: صرف نظر از مباحث مالی که جزو مشکلات همیشگی است و همیشه به دنبال بانی و خیر برای تأمین مالی برنامه ها هستیم، موازی کاری بین نهادها و متولیان فرهنگی دغدغه مهم ماست. کارهای تربیتی را که هم اکنون مساجد، پایگاه های بسیج، شهرداری ها و حتی آستان قدس انجام می دهند، می توان تجمیع کرد یا با تقسیم وظایف به نتیجه بهتری رسید. برای مثال، شهرداری و آستان قدس ظرفیت و امکانات خود را در اختیار ما بگذارند؛ حداقل با هزینه کمتر و سازوکاری کم دردسرتر!



● با جشن های شاد، جذب کانون شدم

امیرعلی اسدی / متولد ۱۳۹۳

از اوایل تابستان و به واسطه دوستانم با کانون یاران رضوی آشنا شدم؛ دوستانی که خودشان در کلاس های اینجا شرکت می کردند و از فضای کانون تعریف می کردند. البته قبل از آن هم در جشن های عید غدیر به کانون می آمدم، چون این برنامه ها نیازی به ثبت نام نداشت و جشن های شاد و پرهیجانی برگزار می شد و جوایز خوبی هم می دادند.

الان در کانون در کلاس قرآن شرکت می کنم، کلاس ریاضی دارم و در کلاس «آیین مؤمنانه» هم حضور دارم. یکی از برنامه های به یادماندنی که با کانون تجربه کردم، مربوط به ایام فاطمیه بود؛ زمانی که همراه بچه ها برای دیدن تئاتر رفتیم. این برنامه یکی از خاطرات خوبم از کانون است. بازی بازیگران آن قدر قوی و تأثیرگذار بود و فضای اجرا آن قدر واقعی به نظر می رسید که واقعات تحت تأثیر قرار گرفتم.

همین تجربه باعث شد به بازیگری تئاتر و هنر نمایش علاقه مند شوم و بعد از آن در نمایش های مدرسه هم چند نقش اجرا کنم. در این مدت که عضو کانون هستم، دو نفر از همسایه ها و بچه های محل را هم با خودم همراه کرده ام و به کانون آورده ام تا آن ها هم از این فضا و برنامه ها استفاده کنند.



● عاشق آموختم

عسل سرگلزایی / متولد ۱۳۹۰ و دانش آموز کلاس نهم

حدود سه سال پیش به این محله آمدم. از همان ابتدا با کانون «یاران رضوی» آشنا شدم. البته آن زمان به دلیل وضعیت درس و مدرسه، امکان حضور در کلاس ها را نداشتم. اما از حدود یک سال پیش به کانون آمدم و در کلاس های امام شناسی و ولایت شرکت کردم. از همان موقع حضورم در کلاس ها منظم شد و حالا هم در کلاس هایی با محوریت مباحث شیعه شناسی شرکت می کنم. در کنار این مباحث، رساله حقوق امام سجاد (ع) را نیز با هم مطالعه می کنیم.

در کانون، برای همه مناسب ها مراسم ویژه ای برگزار می شود و اردوهای تفریحی و فعالیت های متنوع فرهنگی هم همیشه جزو برنامه هاست. فضای صمیمی و پویای اینجا باعث شده است حضور در کانون فقط به کلاس محدود نشود و برایمان تجربه ای لذت بخش باشد.

آنچه بیش از هر چیز مرا به این کانون علاقه مند کرده، شوق یادگیری و افزایش آگاهی، به ویژه در زمینه شیعه شناسی است. مربیان با تسلط و دقت زیاد این مباحث را تدریس می کنند و همین موضوع انگیزه ام را برای ادامه مسیر بیشتر کرده است. حضور در کانون کمک کرده است بسیاری از ابهامات ذهنی ام درباره مسائل دینی برطرف شود و آشنایی عمیق تر با منابع دینی، تأثیر مثبتی بر زندگی شخصی ام گذاشته است. برای نمونه، پس از مطالعه بخش مربوط به حق مادر در رساله حقوق امام سجاد (ع)، نگاه و توجه من به جایگاه مادر و حقوق او بیش از گذشته شده است.

درباره دورهمی بانوان رده که حالا رؤیای مدرسه رفتن را زندگی می‌کنند

چراغ روشن دانایی

۴



راه تجربه

شهامت‌ها و اسرد باشد یا گرم، نوبت قطعی برق باشد، آلودگی هوا، نفس شهر را به شماره انداخته باشد، تعطیلات تابستان باشد و... زور هیچ کدام از این‌ها به تعطیل کردن کلاس سوادآموزی بانوان محله رده نمی‌رسد. شوق رها شدن از رنج بی‌سواد و فضای شاد حاکم بر این کلاس، آن‌ها را عصر روزهای یکشنبه، به پایگاه بسیج مسجد ولی عصر (عج) می‌کشاند تا ساعتی، رها از مشغله‌های خانه‌داری، برای جبران حسرتی تلاش کنند که از کودکی بر دلشان مانده است.

● ● ابتکار معلم

کلاس، به دو گروه تقسیم شده است. یک گروه که پیش‌تر هستند، از ساعت ۱۴ تا ۱۵، درس جدید را یاد می‌گیرند. نوبت گروه دوم، از ساعت ۱۵ تا ۱۶:۳۰ است. در این نود دقیقه، تکالیفشان را تحویل می‌دهند، روخوانی می‌کنند و املا می‌نویسند. در هر کدام از این‌ها ضعف داشته باشند، سرمشق جدید داده نمی‌شود و باید با تمرین بیشتر، آمادگی‌شان را برای درس تازه، نشان بدهند.

این رویه‌ای است که فاطمه سیمای باقری، برای یادگیری سوادآموزان کلاس، در نظر گرفته است. او از سال ۱۳۹۶ که مسئولیت معاونت آموزشی پایگاه بسیج ولی عصر (عج) را بر عهده دارد، کلاس سوادآموزی را برای بالابردن سطح سوادبانوان محله رده، با دوفرا اندازه‌ای کرد. در این مدت، بر اساس علاقه و توانایی ذاتی‌اش در تدریس، به تجربه و شیوه‌هایی رسیده که کلاسش را در محله زبانزد کرده است و اهالی، خود مبلغ کلاس‌های رایگان او شده‌اند. خانم‌های کلاس از سی و هشت ساله



لذت‌هایش، حرفی برای گفتن دارند. عده‌ای فرصت را غنیمت می‌دانند برای تشکر از حوصله معلمشان و اینکه به خاطر وقتی که می‌گذارد، انتظار مالی ندارد. برخی دیگر دوست دارند از اردوهای بگوبند که با هم کلاسی‌هایشان به مقصد اما مزادگان اطراف مشهد مثل میامی می‌روند و خوش می‌گذرانند. برخی دیگر هم مشتاق هستند برای نشان دادن دفترهای مشقشان و گفتن از رنج بی‌سواد که با آمدن به این کلاس، تمام شده است.

«آدم بی‌سواد، یک جور نابیناست. غصه از این بالاتر که بخواهی سرویس بهداشتی عمومی بروی و ندانی کدام یک زنانه است؟»، «مادرم خدایا مرز بی‌سواد بود. مکه که رفته بود گریه می‌کرد از اینکه هم کاروانی‌هایش دعا و قرآن می‌خواند و او نمی‌تواند. خدا را شکر که من بی‌سواد نیستم»، «به خانم باقری مدیونم. اگر او را نبینم دلم تنگ می‌شود»، «نگاه کنید پوس‌ستروی دیوار را چه خوب می‌خوانم: ناحیه ۴ میثم، حوزه حضرت مریم (س)، پایگاه ولی عصر (عج)»، «ما حتی در دوران کرونا کلاس را تعطیل نکردیم»، «درس خواندن خیلی خوب است: کاش از بچگی ما را می‌فرستادند مدرسه»، «این‌ها جملاتی است که در همه‌ها بانوان سوادآموز این کلاس می‌توان شنید. همگی پایه‌سنگ گذاشته‌اند و بالغ‌تر از آن هستند که بخواهند کلاس را به دلیل نداشتن مدرک پایان دوره، ترک کنند. هر کدام برای بازماندن از قافله تحصیل، قصه‌ای دارند و آتش شوقی در دل برای سوادآموزی که عبور از سن متعارف تحصیل نیز نتوانسته است آن را خاموش کند.

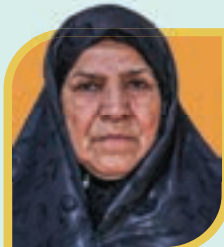
هستند تا بالای شصت سال. اگر ببینم با روش‌های معمولی یاد نمی‌گیرند، نقاشی می‌کشیم و با نمادسازی، حروف را یادشان می‌دهم. مثلاً جوجه می‌شود، نماد حرف ج، سیب می‌شود برای حرف س و...». این بانوی پنجاه و سه ساله که خود تا سوم راهنمایی درس خوانده است، با همین روش‌های به ظاهر ساده و ضمیمه کردن صبر و خوش خلقی، دست‌کم به سی بانوی محله، سواد خواندن و نوشتن و قرائت قرآن را هدیه داده است.

● ● شوق سوادآموزی

هر کدام از ده بانویی که برای سوادآموزی به کلاس آمده‌اند، به اضافه هفده نفری که روزهای شنبه به کلاس قرآن می‌آیند، از این کلاس و

خدا حافظی با حسرت‌های گذشته

کلثوم فروتن‌زاد، ۶۲ ساله، سوادآموز



زاوین هم مثل بقیه جاهل‌توی مدرسه‌اش دختر و پسر، قاطی بودند. بابای من هم که روی این چیزها حساس بود، نگذاشت بروم از ده سالگی، پشت دار قالی‌نشستم و زود کار را یاد گرفتم. هر چهل روز، یک قالی دوازده متری می‌بافتم ولی چه فایده! این‌ها که جای سواد را نمی‌گیرد. هفت تا بچه‌ام که از آب و گل درآمدند و مشغله‌های کم شد، نوبت خودم بود. آمدم پایگاه ولی عصر (عج) و کلاس سوادآموزی خانم باقری، تقریباً همان زمانی که کرونا شروع شد. آن‌اویل، شوهرم می‌گفت نمی‌خواهد بروی کلاس، چیزی یاد نمی‌گیری. گوش ندادم و آمدم. حالا که شوهرم می‌بیند از روی مفاتیح، دعا می‌خوانم و یاسین و الرحمن و بقیه سوره‌ها را روان هستم، با تعجب نگاه می‌کند و می‌گوید: کلثوم! باورم نمی‌شود این تو هستی که این قدر خوب می‌خوانی. دیگر حسرت‌های گذشته را فراموش کرده‌ام. به قول قدیمی‌ها، گذشته‌ها گذشته‌اند.

انصراف از فروش خانه

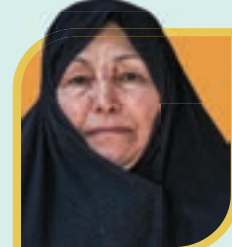
صغری عاشوری، ۴۸ ساله، سوادآموز



روستای بچگی‌های من در اسفراین، مدرسه ابتدایی داشت اما درس خواندن دخترها مرسوم نبود. هر چه بزرگ‌تر شدم، جای خالی سواد در زندگی‌ام بزرگ‌تر شد؛ مثلاً می‌رفتم جلسه قرآن، می‌دیدم همه قرآن می‌خوانند و من نمی‌توانم. دل شکسته و ناامید می‌شدم و دیگر نمی‌رفتم. از طرفی آن قدر درگیر مشغله‌های زندگی بودم که دیگر فرصتی برای خودم و درس خواندن نداشتم. دو سال پیش، تعریف مسجد ولی عصر (عج) و کلاس‌های خانم باقری را شنیدم و بانه مانده‌امیدم. آمدم اینجا. آخر، یک بار هم کلاس‌های نهضت رفته بودم، از حرف‌های معلمش، سر در نیاوردم و ادامه ندادم. اینجا درس‌ها را متوجه می‌شوم. می‌توانم بنویسم و بخوانم؛ هم فارسی و هم قرآن را. پیش‌رفتم در خواندن و نوشتن آن قدر برایم مهم است که از خیر فروش خانه و رفتن به محله‌ای دیگر گذشتم. راستی! من هم شده‌ام پای ثابت جلسات قرآن خانگی.

ورود به دنیای با سوادها

هاجر بیات، ۶۴ ساله، سوادآموز



وقتی با بابایم خدایا مرز گفت دیگر مدرسه نرو، زدم زیر گریه. آن سال می‌خواستم بروم کلاس سوم ابتدایی. مدرسه‌ما در سروایت نیشابور هم دخترانه بود، هم پسرانه. دلیل نه گفتن بابا هم همین اختلاط بود و اینکه دخترها اجازه نداشتند روستی بپوشند. من این چیزها سرم نمی‌شد. دلم بی‌طاقت بود برای رفتن به مدرسه و بازی کردن با دخترچه‌هایی که با هم دوست شده بودیم. ذوق داشتم برای اینکه مادرم صبح به صبح موهایم را شانه کند و ما نتوانستیم شلوار نویی را که لباس فرم مدرسه بود، بپوشیم. حسرت درس خواندن به دلم ماند. چند سال بعد، با همین حسرت ازدواج کردم و بچه دار شدم. بچه‌هایم را بزرگ کردم و کلاس نهضت رفته‌م. مدرک پنجم ابتدایی را گرفتم اما در نوشتن ضعیف هستم. دوماه است می‌آیم اینجا. پیش‌رفت کرده‌ام و دوست دارم بهتر شوم. شب چله امسال، بچه‌ها ونه‌هایم، دورم را گرفته بودند. دفتر املایم را نشان دادم، با آن نمره بیست و صد آفرینی که از خانم باقری گرفته‌ام. همه برایم کف زدند.

دوچرخه سواران منطقه ما برای داشتن هوای سالم و ترویج ورزش همگانی پای کار آمده اند

دوشنبه های پا در رکاب

● فرهنگ سازی را از خودمان شروع کنیم

معلومات درباره مسیرهای دوچرخه سواری این پویش توضیح می دهد: هر هفته با توجه به مناسبت های مختلف، مسیر رکاب زنی را تغییر می دهیم. برای مثال اگر مناسبت مذهبی باشد، به سمت حرم مطهر امام رضا (ع) حرکت می کنیم و در مناسبت هایی که به طبیعت و پاکیزگی هوامربوط است، مسیر به سمت یکی از بوستان های مهم شهر تعیین می شود. مسیر هر هفته از طریق کانالی در شبکه های اجتماعی که همه اعضا در آن حضور دارند، اعلام می شود و مسیرها به گونه ای انتخاب می شوند که هیچ مزاحمتی برای ترافیک شهری و خودروسواران ایجاد نکنند.

او همچنین با اشاره به برنامه های آموزشی این پویش می افزاید: برگزاری دوره های آموزشی ترافیکی و فرهنگ دوچرخه سواری از جمله

مربیم ذوالفقاری پویش های دوچرخه سواری همگانی در شهرها و کشورها و اجرای کم رmq «سه شنبه های بدون خودرو» در مشهد باعث شد تا دو سال پیش، جمعی از دوچرخه سواران منطقه ما ایده راه اندازی «دوشنبه های دوچرخه ای» را به شهرداری منطقه ۴ مشهد ارائه کنند که البته با استقبال مدیران شهری نیز همراه شد. حالا پس از این مدت، استقبال به حدی پر شور است که بعضی هفته ها تعداد دوچرخه سوارها به بیش از هشتصد نفر می رسد.

● آشتی با طبیعت

مصطفی معلومات، شهروند محله ایثار، یکی از اعضای شورای سیاست گذاری طرح «دوشنبه های دوچرخه ای» است. او با اشاره به اهداف این طرح می گوید: «دوشنبه های دوچرخه ای» با هدف کمک به کاهش آلودگی هوا، کاهش ترافیک شهری و افزایش تحرک شهروندان شکل گرفت. این پویش در آغاز با حدود ۱۲۰ نفر و از منطقه ۴ مشهد شروع شد، اما امروز شهروندانی از همه مناطق مشهد به آن پیوسته اند و در برخی روزهای خاص شمار رکاب زنان به بیش از هشتصد نفر نیز می رسد. او درباره افراد شرکت کننده در این پویش می گوید: هیچ محدودیت سنی وجود ندارد و پیر و جوان می توانند در آن شرکت کنند. پوشیدن کاورهای یک شکل باعث شده است توجه دیگر شهروندان به رکاب زنان جلب شود و تردد گروهی مادر و فرزندان در دوشنبه هر هفته، روز به روز بر تعدادمان افزوده است.



برنامه های مابرای شرکت کنندگان است و حضور در همایش های مرتبط با دوچرخه سواری و هوای پاک نیز از دیگر اقدامات گروه به شمار می رود.

● توجه به وظیفه شهروندی در پاکیزگی هوا

صالح رحیمی جوانی بیست و شش ساله است و از یک سال پیش با پویش «دوشنبه های دوچرخه ای» آشنا شده است و هم رکاب با دیگر اعضا سرقرار هفتگی حاضر می شود. او حضور در این جمع را عاملی بر تقویت روحیه ورزشی و جمعی خود می داند و ادامه می دهد: وقتی به صورت گروهی در شهر رکاب می زنیم، باز خورد های خوبی از دیگران دریافت می کنیم. بعضی افراد از نحوه شرکت در این پویش می پرسند و تمایلشان به شرکت در این برنامه را نشان می دهند. از اطرافیانم نیز افراد زیادی را با این پویش آشنا کرده ام و حالا هر دوشنبه همراهان می شوند.

او که وسیله نقلیه موتوری هم دارد، تأپیش از آشناشدن با این پویش حتی برای مسیرهای کوتاه هم از موتور استفاده می کرده است و حالا دوچرخه را عضوی جدانشدنی در ترددهای شهری اش معرفی می کند و می گوید: من به عنوان یک شهروند باید به سهم خود به پاکیزگی هوا کمک کنم. اگر همه این وظیفه شهروندی خود را رعایت کنند، بی شک غبار و آلودگی جای خود را به آسمان آبی می بخشد. البته منظورم فقط استفاده از دوچرخه نیست، بلکه با کمتر بیرون آوردن خودروها و موتورهایمان و استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی می توانیم به این وظیفه به درستی عمل کنیم.

نوجوان رزمی کار محله طبرسی شمالی، حرف مادرش را آویزه گوش کرده است

سرانجام برنده می شوی



با ختم، چون هنوز وارد نبودم. پس از این شکست ها، در مسابقات بعدی به ترتیب برنز، نقره و در مسابقه آخر که کشوری بود، طلا به دست آوردم.

● پس از شکست ها چه چیزی باعث می شد به تلاشت ادامه بدهی؟

حرف های مادرم که می گفت: «باید تا آخرش ادامه بدهی؛ آن قدر که سرانجام برنده شوی.»

● می خواهی کاراته را تا کجا ادامه بدهی؟

مربی ام، شیهان و حیدی، دان هشت دارد. من می خواهم مثل او حرفه ای بشوم و تا آخرش، یعنی تا داند ۱۰ کاراته ادامه بدهم.

● و بعد؟

دوست دارم با دیگران مسئولان مهم کشور بشوم و اجازه ندهم هیچ دشمنی به آن ها آسیب برساند.

● برای ادامه تحصیل هم برنامه ای داری؟

درس خواندن را خیلی دوست دارم و همه درس هایم خیلی خوب است. به علوم علاقه بیشتری دارم. فکر می کنم وقتی بزرگ شدم، رشته پزشکی را انتخاب کنم و یک دکتر ورزشکار بشوم.

● کسی بوده است که با دیدن علاقه و موفقیت تو در کاراته، جذب ورزش شود؟

بله، چند نفری بوده اند. یکی از آن ها دوستم، امیر علی، است که الان کمر بند آبی دارد. او در مسابقات کشوری، در مبارزه با حریف هایش دوم شد و مدال نقره به دست آورد.

که دارم کاراته یاد می گیرم. قبلا درباره این رشته همین قدر شنیده بودم که برای دفاع شخصی خوب است و اگر دعوا یا خطر دیگری پیش بیاید، کسی نمی تواند به کاراته کار آسیب بزند.

● تمرین در کاراته را چطور

می بینی، سخت یا ساده؟

سخت است. در کاتا باید خیلی تمرکز داشته باشی و ذهنت را درگیر کنی. مبارزه با حریف هم سخت است، ولی من با تمرین از پیش برمی آیم.

● تا الان در چند مسابقه شرکت

کرده ای و نتیجه اش چه بوده است؟

پنج شش مسابقه استانی شرکت کرده ام و یک مسابقه کشوری. چند مسابقه استانی اول را

شهادت چند روز پیش امتحان ریاضی داشت. امیر حسین کارگر، دانش آموز درس خوان مدرسه اسفندیاری در محله طبرسی شمالی، آن قدر پیش از امتحان نمونه سوال حل کرده بود که پرسش های آزمون برایش به سادگی آب خوردن بود. او با اعتماد به نفس ناشی از موفقیت های رو به افزایشش از دو سال پیش، می گوید کاراته رابه فهرست دغدغه ها و علاقه مندی هایش اضافه کرده است. نوجوان یازده ساله محله طبرسی شمالی در این مدت بیش از گذشته فهمیده است که وقتی تلاش رابه هدف هایش ضمیمه کند، نتیجه جز موفقیت نخواهد بود؛ خواه میدان آزمون و درس های مدرسه باشد یا مسابقات کاراته کشوری که آبان امسال به میزبانی مشهد برگزار شد و او توانست در بخش کاتا مدال طلا را از آن خود کند.

● آشنایی ات با کاراته چطور اتفاق افتاد؟

خرداد پارسال، امتحانات کلاس سوم را که دادم، مادرم من را برد باشگاه و در رشته کاراته ثبت نام کرد. تا بستان تمام شد، ولی من آن قدر از این رشته خوشم آمده بود که تصمیم گرفتم ادامه بدهم. کمر بند سفیدم شد نارنجی، آبی و الان هم که کمر بند زرد دارم.

● آیا در میان دوستان یا آشنایان کسی هست که این رشته را تجربه کرده باشد؟

من در فامیل، دوستان و همسایه ها، اولین نفر هستم





طلاب، گلشور، ایثار، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی
التمور، کوی مهدی

محلات منطقه‌ها

راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد
رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهر مادر، بلال، قرقی، مهرگان



هادی پاوست راد، جانباز چهل درصد و کاسب محله خیرآباد، می‌گوید:
عکس حاج قاسم را نصب کرده‌ام؛ چون رشادت هایش از یادم نمی‌رود.
برایش نماز می‌خوانم و به یادش برای اهل بیت (ع) خرج می‌دهم. هر جا
بتوانم معرفی‌اش می‌کنم. حاج قاسم برایم حتی از پدر و مادر عزیزتر است.

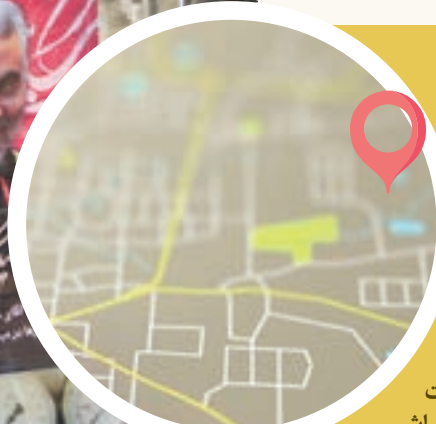


علی پاکدل، کابینت ساز محله طبرسی شمالی، توضیح می‌دهد که قرارگاه جهادگران
فاطمی از سال ۹۱ فعالیت خود را آغاز کرده است. امپس از شهادت سردار سلیمانی، همه
اقدامات به نام ویاد او انجام می‌شود؛ از برگزاری مراسم گوناگون تا ساخت خانه برای
محروران، توزیع نذورات، بسته‌های معیشتی، اقدامات خیر دوران کرونا و جشن‌های
خیابانی که به گفته او برکتش در زندگی‌شان نمایان است.

روایت آزادت اهالی محلات ما به سردار دل‌ها

حاج قاسم در قلب کسبه

محمدرضا فیضی | شش سال از شهادت سردار دل‌ها می‌گذرد. اما نام و تصویرش
هنوز در کوچه‌ها و مغازه‌های شهر زنده است. کافی است سری به محله‌ها بزنید؛
عکس حاج قاسم سلیمانی کنار درخت، روی دیوار یا شیشه مغازه‌ها خودنمایی
می‌کند؛ از روی باور و به احترام یک قهرمان ملی. در گفت‌وگوی کوتاه با چهار کاسب
محلی، همه بر یک نکته تأکید داشتند. حاج قاسم فقط یک فرمانده نبوده، بلکه نماد
امنیت، اخلاص و مردم‌داری بوده است. یکی می‌گفت بایدین عکس سردار، یاد مسئولیت
می‌افتد. دیگری او را مایه برکت کسب و کارش می‌دانست. کاسبی دیگر از دل‌تنگی همیشگی‌اش
گفت و آرزوی ادامه دادن راه سردار، این تصاویر ساده، روایتگر پیوند عمیق حاج قاسم با دل‌های
مردم محله است؛ پیوندی که با گذر زمان نه تنها کمرنگ نشده، بلکه عمیق‌تر هم شده است.



عکس: محمدرضا فیضی / شهرآرا



سیدحسین عبدی، آهن‌فروش محله رده و ورزمنده دوران دفاع مقدس، تصویر
حاج قاسم و شهدای غزه و شهید رئیسی را روی پنجره کانکس مغازه‌اش نصب کرده
است. می‌گوید در برابر شهدا، کار خاصی نکرده است و خود را بدهکار آن دلاورمردان
و کشورش می‌داند. معتقد است یاد شهدا در رفتار، گفتار و قضاوت‌ها تأثیر دارد.

محمد قربانی، باتری ساز محله پنجتن، می‌گوید: سردار سلیمانی به خاطر
ایمان و جان‌فشانی هایش در دل همه، حتی مردم دیگر کشورها جا دارد. زندگی
و امنیتمان را می‌یون او هستیم. روزی نیست که به یادش نباشم؛ جایش خیلی
خالی است. غبطه می‌خورم و آرزو دارم ادامه دهنده راهش باشم.